

## تہمت ۲

«تہمت»

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تہیہ و تنظیم: مجتمع فرهنگی پژوهشی

نوبت انتشار: اول / اسفند ۱۳۹۳

سایت سازمان: [www.awqaf.ir](http://www.awqaf.ir)

سایت معاونت: [www.mfso.ir](http://www.mfso.ir)

سایت مجتمع: [www.mfpo.ir](http://www.mfpo.ir)

نشانی: تهران، خ نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه،

معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد-جنب امامزادہ شاہ سیدعلی

مجتمع فرهنگی آموزشی امامزادہ سیدعلی

تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۶۹

غیر قابل فروش

بسم الله الرحمن الرحيم



سازمان اوقاف و امور خیریه  
معاونت فرهنگی و اجتماعی

## ۱- مقصر

تصور کنید از طرف یکی از همکاران تان به میهمانی ای دعوت می شوید که از چند و چون آن بی خبرید. وارد مهمانی می شوید و گوشه ای با دوستان هم منش و عقیده تان می نشینید و مشغول گپ و گفت می شوید و در همین میان مهمانان دیگری به جمع اضافه می شوند که ظاهر امر نشان می دهد با شما هیچ سنخیتی ندارند. از رفت و آمدهای زیادشان و حال ناخوش شان به چیزهایی پی بردید اما تا به خود بیایید و تصمیم بگیرید آن مجلس را ترک کنید، در کمال ناباوری تان، پلیس می آید و همه ی مهمانان، مجرم و غیر مجرم را بازداشت می کند. هر چند شما ساعاتی بعد آزاد می شوید اما بی توجهی شما نسبت به

مجلسی که در آن شرکت کرده اید، چند ساعت بازداشت را در پی داشته است و جای هیچ اعتراضی هم وجود ندارد و نخواهد داشت، که مقصر خودتان بودید و اهمیت ندادن به رفت و آمدتان.

یا با همسرتان به خرید رفته اید و سر موضوعی دچار اختلاف می شوید. همسرتان از سر ناراحتی و عصبانیت، سریع تر از شما قدم برمی دارد و به اصرار شما توجهی نشان نمی دهد. ماشین گشت ارشاد به رفتار شما شک می برد و به شما تذکر می دهد. همسرتان به مسیرش ادامه می دهد و شما عصبانی تر از قبل و بی توجه به مامور گشت ارشاد، به راه خود ادامه می دهید تا اینکه مامور گشت، سد راهتان می شود و شما پاسخ می دهید که آن خانم همسرتان هست و مدارکتان را نشان می دهید. خب مقصر کیست؟ مامور گشت یا رفتار اشتباه شما و همسرتان؟

\*\*\*

در هر دو مثالی که ذکرش رفت، مقصر کسی نیست جز خودتان و بی توجهی تان! اینکه در مجلس دوستی شرکت کنید که نه خوب او را می شناسید و نه از چگونگی مراسم و سایر مهمان ها بی اطلاع باشید، جای اعتراضی برای پلیس که به وظیفه ی خود عمل کرده است نمی گذارد. بالاخره تر و خشک با هم می سوزند! همین طور رفتار غلط شما و همسر تان باعث سوء تفاهم مامور گشت ارشاد می شود. به جای داد و بیداد کردن سر مامور وظیفه شناس بهتر است رفتار غلط تان را تصحیح کنید. بله! هر عملی، عکس العملی دارد و هر کنشی، واکنشی. حواستان باشد خودتان زمینه ی به دردسر افتادن تان را فراهم نکنید. وقتی خودتان مراقب رفتار و کردار و آمد و شدتان نیستید، انتظاری از دیگران نداشته باشید. یادتان

باشد که کسی علم غیب ندارد!

\*\*\*

قال الامام العلی علیه السلام :

مَنْ دَخَلَ مَدَاخِلَ السُّوءِ اُتِيَهُمْ، مَنَعَرَّضَ نَفْسَهُ لِلتُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ اَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ.

امام علی علیه السلام می فرماید:

هر که به جاهای بد آمد و شد کند، متهم می شود و هر که خود را در معرض  
تهمت قرار دهد، هرگز نباید کسی را که به او گمان بد برده است، سرزنش کند.

کنز الفوائد: ۱۸۲/۲

## ۲- انحلال!

خیلی هایمان تصویری که از گناه داریم یک دزدی بزرگ، یک رابطه ی گناه یا قتل! و اعمالی از این قبیل است. در واقع متاسفانه بعضی از گناه ها آنقدر عادی و تکراری شده است که قبح آن عمل برای بعضی هایمان از بین رفته است. مثلا دوستان یا اقوام و نزدیکان دور هم جمع می شویم و از هر دری مشغول صحبت می شویم. میوه پوست می کنیم و در غیاب

تک تک آدم‌هایی که در جمع مان نیستند اظهار نظر می‌کنیم. قهوه مان را شیرین می‌کنیم و هم می‌زنیم و هر چه شنیده ایم درباره‌ی خانم فلان یا آقای بهمان را با آب و تاب فراوان برای سایرین تعریف می‌کنیم. و هر چه چشم‌های اطرافیان گشاد تر و دهان‌شان از تعجب بازتر می‌شود، گره‌رو سری مان را محکم‌تر می‌کنیم و جریان را مفصل‌تر و کشدارتر ادامه می‌دهیم، بی‌توجه به آبرویی که دارد ریخته می‌شود. در کمال بی‌اهمیتی.

\*\*\*

ادعای مسلمانی مان گوش همه را کر کرده است و خودمان را مومن‌تر و مسلمان‌تر از هر کس دیگری می‌دانیم! محبوب با ایمانی مثلاً قوی! غافل از اینکه به سادگی شیرین کردن قهوه تان، با هر حرف ناپسند و نامربوطی که به دیگری نسبت می‌دهید، ایمانِ مثلاً قوی تان،

مثل شکر در قهوه آب می شود. آبِ آب! ارزشش را دارد؟

\*\*\*

قال الامام الصادق عليه السلام:

إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ انِمَاتَ الْإِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه مؤمن به برادر (دینی) خود تهمت زند، ایمان در قلب او ناپدید می شود همچنان که نمک در آب حل می شود.

الكافی، ج ۲، ص ۳۶۱



### ۳- دهن سوخته!

دوست دارید در محل کار و اداره تان حرفی پشت سرتان پیش نیاید و کسی با بهتان و حرف بی ربط، موقعیت تان را به خطر نیاندازد و شغل تان را از دست ندهید؟ چه انتظاری از همسایه ها و نزدیکانتان دارید وقتی کسی برای تحقیق درباره ی فرزندتان به آنها مراجعه می کند؟ غیر از این است که توقع دارید بدگویی تان را نکنند و حرف بی جایی به شما یا فرزندتان نسبت ندهند؟ چقدر ناراحت می شوید وقتی به گوش تان برسد کسی شغل خوب و درآمد خوب تان را، که با زحمت و تلاش زیاد خودتان حاصل شده است با بهتان و تهمت

ناروا، زیر سوال برده است؟ چه حالی می شوید اگر ارتباطات کاری و بی غرضتان را کسی، بد و به اشتباه تعبیر کند و گوش به گوش برسد؟

\*\*\*

یقیناً هیچ کدام مان دوست نداریم هیچ یک از موارد بالا برای مان اتفاق بیافتد و مصداق آتش نخورده و دهن سوخته باشیم! برای روی ندادن این قبیل حرف و حدیث ها، کافی ست، قبل از اینکه درباره ی کسی و مسائل مربوط به او، به اظهار نظر پردازیم، چند دقیقه، فقط چند دقیقه به حرف هایمان و عواقبش خوب فکر کنیم. همان گونه که انتظار داریم دیگران نسبت به ما همین تفکر را داشته باشند. خودمان را جای آنها بگذاریم. حالا چه تصمیمی می گیرید؟

\*\*\*

قال الامام زين العابدين عليه السلام:  
مَنْ رَمَى النَّاسَ بِمَا فِيهِمْ رَمَوْهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ.

امام سجاد عليه السلام فرمود:

هر کس به مردم عیبی را که دارند نسبت دهد، مردم به او عیبی را که ندارد نسبت دهند.

بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۰

## ۴- رسوایی

همه یمان وقتی بچه بودیم، به وقت بازی های بچگی مان، اگر اتفاقی می افتاد و در همان عالم بچگی، باهم دعوا می کردیم، از ترس پدر و مادر هم بازی مان به خانه پناه می آوردیم تا آب ها از آسیاب بیافتند. بزرگ تر شدیم و به مدرسه رفتیم و در حال و هوای نوجوانی مان، شیطنتی کردیم و از ترس مدیر و ناظم مدرسه، گوشه ای پنهان شدیم تا عصبانیت شان

بخوابد. بزرگ تر شدیم و شیطنت هایمان هم به همان اندازه قد کشید! نگران از عصبانیت پدر بابت اشتباه مان، به آغوش همیشه باز مادر روی آوردیم. هنگام رانندگی، غفلت کردیم و تصادف کردیم. نگران و مضطرب منتظر بازخواست پلیس ماندیم و هزار موقعیت دیگری که اشتباه کردیم و از بابت عصبانیت و تلافی کردن بقیه، دل نگران شدیم. اما شاید هیچ وقت حواس مان نبود آن وقتی که پی ورا در باره ی کسی، حرف نامربوط می زدیم، کسی را عصبانی کردیم، بزرگ تر از همه! کسی مثل خدا!

\*\*\*

در هر مرحله ای از زندگی مان، با هر اشتباهی که مرتکب شدیم، از تلافی و تنبیه دیگران، ترس به جان مان افتاد. اما کاش به همان اندازه ای که چهره ی برافروخته ی پدرِ قد بلند و

چهار شانه ی دوست مان، دلهره به دل مان می اندازد، خشم خدا و وعده ی انتقامی که داده است، نیز دل نگران مان می کرد. غمگین تر از خشم پدر و مادر و معلم مان، بی شک، خشم خداست. بترسیم از خشم و انتقام خدا، که هیچ حرفی، و هیچ کلمه ای حتی، به خشمگین شدن او نمی ارزد.

\*\*\*

خداوند کسی را که به دنبال عیب های مسلمانان باشد، حتی در داخل خانه اش رسوایی کند.  
کافی، ج ۲، ص ۳۵۴

## ۵- تنهاترین!

آدم هایی هم هستند که طاقت دیدن موفقیت و محبوبیت کسی را ندارند. شاید دیده یا شنیده باشید، آدمی که در اداره ای مشغول به کار است و تمام تلاشش را می کند برای اینکه کارش را به نحو احسن انجام دهد. دست به سینه، آماده ی خدمت است و بله قربان از زبانش نمی افتد و از هیچ کار و خدمت و زحمتی مضایقه نمی کند تا شاید نظر رئیسش را



بتواند برای گرفتن سمت بالاتری جلب کند و وقتی متوجه می شود گزینه ی مورد نظر آقای رئیس، همکارش است، تلاشش را بیشتر می کند اما این بار در جهت خراب کردن وجهه ی همکارش نزد رئیسش! از هر گونه بد گویی نسبت به او تا آنجا که می شود کم نمی گذارد! کسب یک سمت بالاتر با حقوق نه چندان متفاوتی، او را به حرف هایی وا داشته است که روح آقای همکار، از آن بی اطلاع است! و البته که نتیجه چیزی ست بدتر از دست دادن سمت بالاتر! آقای رئیس با زیر نظر گرفتن هر دو کارمندش به کذب بودن ادعای او پی می برد و پایان بهتان هایی که زده است به اخراج خودش ختم می شود!

\*\*\*

آدمیزاد را چه می شود که برای کسب جایگاهی بهتر در این دنیای فانی، حاضر به زدن



حرف هایی می شود که خودش بهتر از هر کس دیگری از کذب بودنش آگاه است و به همین راحتی، باعث نزول جایگاه آخرتش می شود؟ کاش می دانستیم دوستی و محبوبیت نزد خدا خیلی بیش تر از محبوبیت نزد بنده های خدا می ارزد. چند کلام حرف نامربوط، حلقه ی دوستان مان را تنگ و تنگ تر می کند و دردناک تر از این، گسستن پیوند دوستی مان با خداست و باز هم دردناک تر، آن است که شیطان هم با همه ی شیطنت هایش! روی رفاقت با ما حساب نکند! از این بدتر چه چیزی را سراغ دارید؟

\*\*\*

قال الامام جعفر الصادق عليه السلام:

من روی علی مؤمن روایه یرید بها شینه و هدم مروء ته لیسقط من اعین الناس اخرجه الله من

ولایته الی ولایه الشیطان، فلا یقبله الشیطان.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

اگر کسی سخنی را بر ضد مؤمنی نقل کند و قصدش از آن، زشت کردن چهره او و از بین بردن وجهه اجتماعی اش باشد و بخواهد او را از چشم مردم بیندازد، خداوند او را از محور دوستی خود خارج می کند و تحت سرپرستی شیطان قرار می دهد؛ (ولی) شیطان هم او را نمی پذیرد.

## ۶- هر حرفی نشاید گفت!

بعضی وقت ها، عصبانیت های لحظه ای باعث می شود حرفی بزنیم که کوله بار آخرت مان را سخت سنگین کند! بارها شاهد صحنه ی دعوا و مجادله بوده ایم. به خاطر چند دقیقه زودتر رفتن و رسیدن، تصادفی شده است و راننده ی هر دو ماشین، با عصبانیت تمام با هم گلاویز می شوند و خب مسلما و متاسفانه! در دعوا و جر و بحث، حلوای پخش نمی کنند! یکی او می گوید، یکی آن یکی، کوبنده تر از او جواب می دهد! او عصبانی تر می شود و حرف

ها تلخ تر و شرم آورتر! یا پیش آمده است که آدم خلاف کاری را می بینیم یا خبر خلافش را می شنویم و از شدت ناراحتی، در موردش حرف می زنیم و بدون اینکه اطلاع دقیقی داشته باشیم، خلافش را به خانواده اش که شاید هیچ تقصیر و نقشی در این امر نداشته اند ربط می دهیم و بهتان می زنیم. با کدام منطق و دلیل؟ الله اعلم!

\*\*\*

اینکه هم اعصاب مان برای یک دعوا بهم بریزد هم آخرت مان بابت حرف هایی که از سر خشم زدیم بر باد برود، یا به خاطر ناراحتی از خلاف یکی دیگر، دستی دستی خودمان را به دردسر بیاندازیم، خیلی زور دارد! نه؟ تفکر روی حرفی که می زنیم شاید یک دقیقه طول بکشد اما تاثیرش بدون شک یک آخرت ارزش دارد!

\*\*\*

پیامبر صلی الله علیه و آله:

إِنْ كَانَ أَحَدُكُمْ سَابَّ الصَّاحِبَةَ لَا مَحَالَةَ فَلَا يَفْتَرِ عَلَيْهِ وَلَا يَسُبُّ وَالِدَيْهِ وَلَا يَسُبُّ قَوْمَهُ، وَلَكِنْ إِنْ كَانَ يَعْلَمُ ذَلِكَ فَلْيَقُلْ: إِنَّكَ لَبَخِيلٌ، أَوْ لَيَقُلْ: إِنَّكَ لَجَبَانٌ، أَوْ لَيَقُلْ: إِنَّكَ لَكَذُوبٌ، أَوْ لَيَقُلْ: إِنَّكَ لَنُؤُومٌ؛

پیامبر صلی الله علیه و آله:

اگر یکی از شما ناچار شد رفیقش را دشنام دهد، مبادا به او تهمت بزنی یا به پدر و مادرش ناسزا بگویی یا خویشاوندان او را دشنام بدهد؛ بلکه بگویی: تو بخیلی یا بگویی: تو ترسویی! یا بگویی: تو دروغگویی! یا بگویی: تو همیشه خوابی! به شرط آن که بداند او واقعا این صفات را ندارد.

کنز العمال، ح ۸۱۳۳

## ۷- دزد کیست؟

خدا نکند بعضی ها متضرر شوند! خانمی دستبند طلایش را گم می کند و بعد میز گرد تشکیل می دهد و یک بار دیگر مهمانی شب قبل را را موبه موبه باز سازی می کند و شرح حال تک تک مهمان ها را بعد از دیدن آن دستبند کذایی بیان می کند! شرح حالی که چیزی نیست جز برگرفته از توهمات خودش! خانم فلان و دختر خانم ایکس و خاله ی ایگرگ

متهمان ردیف اول اند و همینطور که به شمار متهمین اضافه می شود، دستبند مفقود شده در گوشه ای از خانه پیدا می شود و صدای اعتراض خانم بلند می شود که صدبار گفتم قفل این دستبند را درست کن آقا؛ و قائله ختم می شود! البته در این دنیا!

خبر اختلاس در شرکت، گوش به گوش می پیچد و هنوز مجرمین اعلام نشده، نظرات کارشناسی شروع می شود! یکی به جرم اینکه به تازگی ماشین قدیمی اش را با ماشین جدیدی جایگزین کرده است متهم می شود، دیگری چون دختر دم بخت دارد و جهازش هنوز تکمیل نیست و در فشار بوده، احتمال مجرم بودنش زیاد است! همکار اتاق کناری که حال مادرش روز به روز بدتر می شود و با وامش هم موافقت نشده است می تواند یکی از مجرمین رئیف اول باشد! یا شاید هم آقای دو میز آن طرف تر که مهلت اجاره نامه اش تمام



شده است و صاحب خانه جوابشان کرده است و به هر دری زده اما هنوز خانه ی مناسب با اوضاع مالی اش پیدا نکرده است، دست به اختلاس زده تا صاحب خانه شود! به قیافه ی سرایدار هم می آید که به اختلاس گران کمک کرده باشد! و بالاخره خدا را شکر که مجرم مشخص می شود و پرونده بسته و گرنه لیست متهمین هنوز جاداشت!

\*\*\*

چند ساعت، چند روز، اصلا چند ماه! تحمل کنیم و جلوی کنجکاو ی و حدس و گمان های غلط را بگیریم! زمستان می رود و روسیاهی به ذغال می ماند! یکی پیدا شده است که با کار خلافش، بار از روی دوش مان بردارد و بارمان را سبک کند، انقدر از آخرت مان مطمئنیم که عوض سبک شدن، بیخود و بی جهت، باری هم اضافه برداریم؟



\*\*\*

رسول خدا صل الله عليه و آله می فرماید:

گاهی می شود که شخص دزد زده که دزد اموالش را برده گناهایش از دزد بیشتر می گردد، بخاطر اینکه او مردم را بدون علت متهم به دزدی میکند و به بی گناهان تهمت دزدی می زند.

روضه بحار جلد ۱ صفحه ۱۶۰

## ۸- کلمه ها

تقریباً همه ی آدم ها تهمت زدن را کاری غیر انسانی می دانند اما شاید اگر یک بار، یک روز، به تک تک کلماتی که در صحبت های روزانه مان استفاده می کنیم، دقت کنیم، متوجه شویم که ناخواسته و ندانسته مرتکب گناه تهمت شده ایم! مثلاً خبری را در اینترنت

می خوانیم و بدون اینکه از صدق و صحت آن مطمئن باشیم، کلیک راست کرده و کپی و بعد در گروه های مختلفی که عضویم پیست می کنیم. یا جوک های قومیتی و ملیتی را محض شوخی و خنده برای هم می خوانیم و می فرستیم. در مورد آدم های هر شهری یا آدم های متولد هر ماهی، درباره ی مردها و زن ها! اظهار نظرهای کلی می کنیم و حواسمان نیست که اگر فقط یک نفر در آن شهر، یا متولد آن ماه، یا یک مرد یا یک زن، آن ویژگی را نداشته باشد با جمعی که بستیم مرتکب تهمت شده ایم! بعضی از مردها یا بعضی از زن ها بهتر از مردها و زن هاست.

\*\*\*

سری که درد نمی کند را دستمال نمی بندد! نظرتان محترم! آخرتتان محترم تر!

\*\*\*

قال الامام على عليه السلام:  
الْبُهْتَانُ عَلَى الْبَرِيِّ اَعْظَمُ مِنَ السَّمَاءِ.  
امام على عليه السلام فرمود:  
بهتان زدن به آدم بی گناه (گناهش) بزرگتر از آسمان است.  
بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۱